



## رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز

دکتر علیرضا میراحمدی زاده\*، دکتر نوذر نخعی امرودی\*\*، سید حمیدرضا طباطبایی\*\*\*،

دکتر رامین شفیعیان\*\*\*\*

### چکیده

هدف: در این پژوهش عوامل مرتبط بر رضامندی زناشویی بررسی شده است.

روش: ۱۲۷ نفر متقاضی طلاق و ۱۶۷۰ نفر متأهل از جمعیت عادی و غیرمتقاضی طلاق، که سابقه اقدام به طلاق نداشتند، به کمک پرسشنامه رضامندی زناشویی که دارای چهار مقیاس جاذبه، تفاهم، نگرش و سرمایه گذاری است، بررسی شدند. یافته‌ها: این بررسی نشان داد که سال‌های تأهل و تحصیلات، میانگین سن در هنگام ازدواج و شمار فرزندان، در گروه متقاضی طلاق کمتر بود. در یک تحلیل چندمنغیری مهم‌ترین زمینه‌های ارتباطی مرتبط با رضامندی زناشویی عبارت بودند از: سرمایه گذاری، نگرش و تفاهم.

نتیجه: رضامندی زناشویی در کسانی که در هنگام ازدواج دارای میزان تحصیلات و سن بالاتری بوده‌اند، بیشتر است. رضامندی در زوج‌هایی بیشتر است که بین آن‌ها احترام متقابل حکمفرماست، دارای مهارت‌های ارتباطی و تفاهم بیشتری با هم هستند. جاذبه به تنهایی کمتر از سرمایه گذاری، نگرش مثبت و تفاهم، در رضامندی زناشویی تأثیر دارد.

**کلید واژه: زناشویی، رضامندی، طلاق، احترام متقابل، جاذبه، سرمایه‌گذاری، تفاهم**

\* پزشک عمومی، کارشناس ارشد بهداشت عمومی. دبیر مرکز مطالعات و تحقیقات بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز. شیراز، بلوار سیبویه، مرکز بهداشت استان فارس، مرکز مطالعات و تحقیقات بهداشتی. صندوق پستی ۱۳۷-۷۱۶۴۵  
E-mail: mmvtdops@sums.ac.ir (نویسنده مسئول).

\*\* متخصص پزشکی اجتماعی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان. کرمان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان. بخش پزشکی اجتماعی.

\*\*\* کارشناس ارشد آمار و اپیدمیولوژی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز. دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شیراز، بخش آمار و اپیدمیولوژی.

\*\*\*\* کارشناس آموزش بهداشت فارس. شیراز، بلوار سیبویه، مرکز بهداشت استان فارس، مرکز مطالعات و تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، صندوق پستی ۱۳۷-۷۱۶۴۵.

گوناگون در پایداری روابط زناشویی پرداخته اند (آزاد و نصیب البکاء، ۱۳۸۰؛ بنی اسدی، ۱۳۷۵). در پژوهشی با عنوان "بررسی و مقایسه عوامل فردی، اجتماعی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و نامسازگار شهر کرمان"، عواملی همچون امور مالی، رابطه جنسی، اوقات فراغت و باورهای مذهبی در گسستگی زندگی زناشویی، تأثیرگذار گزارش شدند (بنی اسدی، ۱۳۷۵).

هدف بررسی حاضر تعیین نقش برخی مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی و نیز روان‌شناختی در رضامندی زناشویی است تا بتوان با پی‌بردن به نقش و اهمیت این عوامل، به پایداری خانواده و رفع اختلاف میان زوج‌ها کمک کرد.

### روش

این بررسی از نوع زمینه‌یابی است. نمونه‌های پژوهش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از بین کارکنان دولت، کارکنان بخش خصوصی، کارکنان آموزش و پرورش، کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شیراز و زنان خانه‌دار انتخاب شدند. هم‌چنین افراد متقاضی طلاق در مراکز مشاوره و دادگستری نیز مورد بررسی قرار گرفتند. در گروه غیر متقاضی طلاق که از آن با عنوان گروه "سایرین" نام برده می‌شود، کسانی که سابقه قبلی اقدام برای طلاق داشتند، از بررسی کنار گذاشته شدند. در مجموع ۲۰۰۰ نفر (۲۰۰ نفر متقاضی طلاق و ۱۸۰۰ نفر غیر متقاضی طلاق یا سایرین) برای مصاحبه انتخاب شدند که از این تعداد ۶۸/۵٪ از متقاضیان طلاق (۱۳۷ نفر) و ۹۲/۷٪ از گروه سایرین (۱۶۷۰ نفر) در مصاحبه شرکت کردند و گفتنی است که پرسشنامه‌های گردآوری شده از ۱۰ تن از متقاضیان طلاق به دلیل نقص در اطلاعات ارائه‌شده از بررسی

نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط مرد و زن بر پایه‌های مناسب است. انسانی‌ترین عمل برای تنظیم این روابط، پیوند زناشویی است که می‌توان از آن به‌عنوان عامل اصلی اتحاد زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده یاد کرد. ازدواج، پیوندی است میان زن و مرد که زیربنای آن نیازی زیستی است و سبب پیدایی خانواده و تداوم آن است (ستوده، ۱۳۷۹).

بنا به گزارش جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، در سال‌های اخیر احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان مرد و زن به سستی گراییده است و خانواده به‌گونه فزاینده‌ای با نیروهای ویرانگر روبه‌رو شده است (ستوده، ۱۳۷۹). میزان طلاق در غرب، به‌ویژه آمریکا رو به فزونی است، به‌گونه‌ای که در این کشور ۵۲٪ ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد (فاورز<sup>۱</sup>، موتل<sup>۲</sup> و السون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶) و ۲۲٪ زنان در طول زندگی مشترک خود به علت کشمکش‌های خانوادگی آسیب می‌بینند (کایریاکو<sup>۴</sup>، انگلین<sup>۵</sup> و تالیافرو<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹). افزایش طلاق تنها به آمریکا مربوط نمی‌شود، زیرا هر جا فرهنگ غربی رسوخ بیشتری یافته، نرخ طلاق هم فزونی داشته است (ستوده، ۱۳۷۹). در کشور ما نیز آمار، گویای افزایش میزان طلاق است؛ به‌گونه‌ای که نسبت طلاق به ازدواج از ۳/۲٪ (استان یزد) تا ۱۵/۹٪ (استان تهران) در نوسان می‌باشد (ستوده، ۱۳۷۹).

با توجه به واقعیت پیش‌گفته و نظر به پیامدهای ویرانگر ازدواج ناموفق بر بهداشت بدنی و روانی زن، شوهر، فرزندان و جامعه (آماتو<sup>۷</sup>، بوث<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱) لزوم بررسی رضامندی زناشویی و ابعاد گوناگون آن و هم‌چنین تعیین عوامل تأثیرگذار بر رضامندی زناشویی، بیش از پیش ضرورت می‌یابد. در این زمینه در بررسی‌های انجام‌شده ابعاد ویژه‌ای از رضامندی زناشویی سنجیده شده است (گود<sup>۹</sup>، ۱۹۸۹؛ لارسن<sup>۱۰</sup> و دلسون<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۹). در کشور ما نیز در سال‌های اخیر پژوهشگران در برخی بررسی‌ها به بررسی تأثیر عوامل

1- Fowers  
3- Olson  
5- Anglin  
7- Amato  
9- Goode  
11- Dison

2- Montel  
4- Kyriacou  
6- Taliaferro  
8- Booth  
10- Larsen

داده‌های گردآوری شده پس از انجام عملیات روان‌سنجی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. در این زمینه نخست، پایایی پرسشنامه، از طریق روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفا تعیین شد (آناستازی<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶). ضریب آلفای به دست آمده برای هر یک از مقیاس‌ها و کل پرسشنامه عبارت است از: جاذبه، ۰/۸۱؛ تفاهم، ۰/۵۱؛ نگرش، ۰/۸۶؛ سرمایه‌گذاری، ۰/۷۸؛ کل پرسشنامه، ۰/۹۲. بنابراین، فقط مقیاس تفاهم از پایایی مطلوب بی‌بهره است. برای آن‌که پرسشنامه‌ای پایایی داشته باشد باید ضریب آلفا در کل پرسشنامه بیش از ۰/۷۰ باشد (نونالی<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸). برای پی بردن به روایی پرسشنامه، روایی سازه به کار گرفته شد. آزمون در صورتی دارای روایی سازه است که نمرات به دست آمده از اجرای آن به مفاهیم یا سازه‌های نظریه مورد نظر مربوط باشد (راجرز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵). به این منظور نمره‌های به دست آمده از سنجش رضامندی زناشویی در گروه‌های متقاضی طلاق و سایرین با یکدیگر مقایسه شد. جدول ۱ همبستگی میان مقیاس‌ها با یکدیگر و با نمره کل پرسشنامه را نشان می‌دهد که همگی در سطح مطلوب می‌باشند. از این رو، پرسشنامه توانایی تمایز دو گروه از یکدیگر را داشته و از روایی سازه برخوردار می‌باشد. هم‌چنین با محاسبه ضریب همبستگی بین چهار مقوله مورد سنجش نیز، روایی پرسشنامه بررسی شد که لازم است در هر مورد بیش از ۰/۴۰ باشد (همان‌جا).

به منظور پی بردن به قدرت ارتباط هر یک از ۴ مقوله مورد سنجش با رضامندی زناشویی تحلیل رگرسیون چندگانه به کار برده شد. بر اساس توزیع نمرات به دست آمده از پرسشنامه، در هر مقوله افراد به سه گروه راضی، نسبتاً راضی و ناراضی تقسیم شدند (کلین‌بام<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴).

1- Marital Satisfaction Inventory

2- attraction

4-attitude

6-Sinha

8-Anastasi

10-Rogers

3-rapport

5-investment

7- Mukerjee

9-Nunnally

11- Kleinbaum

کنار گذاشته شدند و داده‌های مربوط به ۱۲۷ نفر تحلیل گردید.

مصاحبه با آزمودنی‌ها توسط پرسشگران آموزش دیده انجام شد. پیش از اجرای مصاحبه در مورد بدون نام بودن پاسخ‌های ارائه شده، به مصاحبه شوندگان اطمینان خاطر داده می‌شد و مصاحبه با موافقت شفاهی آنان انجام می‌شد.

ابزار به کار برده شده پرسشنامه رضامندی زناشویی<sup>۱</sup> (دارای ۴۹ ماده بسته و چهارگزینه‌ای) بود. این پرسشنامه در چهار مقوله جاذبه<sup>۲</sup> (۱۳ ماده)، تفاهم<sup>۳</sup> (۱۲ ماده)، نگرش<sup>۴</sup> (۱۲ ماده)، سرمایه‌گذاری<sup>۵</sup> (۱۲ ماده)، تنظیم شده است (صالحی فدردی، ۱۳۷۸).

به منظور درک بهتر متغیرهای این پژوهش، متغیرهای مهم آن تعریف می‌شوند:

رضامندی زناشویی: "حالتی که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند" (سینها<sup>۶</sup> و ماکرجی<sup>۷</sup>، ۱۹۹۱).

جاذبه: جاذبه عبارت است از جنبه‌ای از یک شیء، فعالیت یا شخص که برانگیزاننده پاسخ‌های نزدیکی در دیگران باشد، تمایلی برای نزدیک شدن به یک شیء، فعالیت یا شخص. در این پرسشنامه جاذبه‌های بدنی و جنسی انسان مد نظر قرار گرفته است (صالحی فدردی، ۱۳۷۸).

تفاهم: "ارتباطی مبتنی بر پذیرش دوسویه، راحت و بدون تنش و دغدغه خاطر که بین دو نفر برقرار می‌شود".

نگرش: "نوعی سوگیری عاطفی درونی که عمل یک فرد را تبیین می‌کند. در اصل این تعریف در برگیرنده قصد و نیت فرد می‌باشد".

سرمایه‌گذاری: منظور از این عبارت آن است که "هر یک از زوج‌ها برای بهتر ساختن رابطه و نیز خوشایندی طرف مقابل، کارهایی را انجام می‌دهند و یا از انجام آن خودداری می‌کنند". به بیان دیگر، "مقابله به مثل کردن، هنگامی که رفتار طرف مقابل پاداش دهنده است و خودداری از انجام عمل متقابل، هنگامی

نمره کل	جاذبه	تفاهم	نگرش	سرمایه گذاری
نمره کل	۱			
جاذبه	۰/۹	۱		
تفاهم	۰/۷۵	۰/۶۳	۱	
نگرش	۰/۹۳	۰/۸	۰/۷۱	۱
سرمایه‌گذاری	۰/۷۹	۰/۶۱	۰/۵۲	۰/۷۵

## یافته‌ها

جدول ۲ برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان را برحسب جنس نشان داده است. میانگین سنی متقاضیان طلاق به‌طور معنی‌داری از سایرین کمتر بود ( $P < 0.01$ ). افزون بر این، شمار فرزندان، سال‌های تأهل و تحصیلات نیز در گروه متقاضیان طلاق از گروه سایرین به‌طور معنی‌داری کمتر بود (جدول ۲).

میانگین سن ازدواج در زنان متقاضی طلاق کمتر از گروه سایرین بود ( $P < 0.05$ )، ولی این تفاوت در مردان معنی‌دار نمی‌باشد. بیشتر زنان در شرف طلاق خانه‌دار بودند (جدول ۳).

برای آزمون تفاوت میانگین متغیرهای پیوسته از آزمون t استفاده شد.

جدول ۲- مقایسه میانگین، انحراف معیار و سطح معنی‌داری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در دو گروه متقاضی طلاق و سایرین برحسب جنس

متغیر	زنان			مردان			کل		
	طلاق (n=63)	سایرین (n=905)	سطح معنی‌داری	طلاق (n=64)	سایرین (n=765)	سطح معنی‌داری	طلاق (n=127)	سایرین (n=1670)	سطح معنی‌داری
سن هنگام مصاحبه	30±7	36±9	0/001	37±9	40±8	0/009	33±9	38±9	0/001
سن ازدواج	21±5	22±5	0/04	25±5	26±4	0/052	23±5	24±5	0/02
سال‌های تأهل	8±7	14±9	0/001	12±9	14±8	0/1	10±9	14±9	0/001
فرزند	1±1	2±1	0/001	2±1	3±1	0/008	1/5±1	2±1	0/001
تحصیلات فرد	11±4	12±3	0/008	12±4	13±3	0/04	12±4	13±3	0/001
تحصیلات همسر	12±4	13±4	0/04	10±5	1±4	0/1	11±4	12±4	0/01

جدول ۳- توزیع فراوانی مطلق و نسبی آزمودنی‌های متقاضی طلاق برحسب جنس و شغل خود و همسر

شغل	متغیر		زنان				مردان	
	فراوانی	درصد	خود		همسر		خود	
			فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خانه‌دار	39	61/9	0	0	0	0	0	0
معلم	6	9/5	0	0	7/9	8	12/5	11
کارمند بهداشتی درمانی	7	11/1	1	1/6	4	6/3	2	3/1
کارمند سایر بخش‌های دولتی	2	3/2	9	14/3	15	23/4	2	3/1
بخش خصوصی یا شغل آزاد	9	14/3	47	74/6	27	42/2	7	10/9
نا مشخص	0	0	1	1/6	10	15/6	8	12/5
جمع	63	100	63	100	64	100	64	100

شاید مهم‌ترین عاملی که باعث افزایش میزان طلاق در قرن بیستم شده است، کاهش نگرش‌های منفی نسبت به طلاق و پذیرش اجتماعی روز افزون رخداد آن باشد.

معیارهای همسرگزینی و شرایط تحقق ازدواج در بیشتر موارد عقلانی نبوده و انتخاب همسر مبتنی بر تحمیل پدر و مادر، مصلحت‌اندیشی، شناخت‌های سطحی و علایق آنی و زودگذر بوده است (ستوده، ۱۳۷۹).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سن ازدواج در زنانی که در شرف طلاق می‌باشند، در مقایسه با بقیه افراد به‌طور معنی‌داری کمتر است. بررسی‌های مشابه نیز نشان می‌دهند که سن ازدواج عامل مهمی در تداوم ازدواج می‌باشد (بوث و ادواردز، ۱۹۸۵). به بیان دیگر، هر چه سن ازدواج پایین‌تر باشد احتمال از هم گسیختگی خانواده بیشتر می‌شود؛ زیرا در سنین پایین افراد از قابلیت‌های لازم برای ایفای نقش همسری بی‌بهره‌اند. در عین حال، ازدواج در سنین بسیار بالا نیز خطر طلاق را افزایش می‌دهد (همان‌جا). از سوی دیگر، سطح تحصیلات نیز در متقاضیان طلاق به‌طور معنی‌داری کمتر از سایرین است. این یافته نیز مورد تأیید بررسی‌های مشابه می‌باشد (گود، ۱۹۸۹). به‌گونه‌ای که در طبقات اجتماعی پایین‌تر و افراد دارای تحصیلات کمتر میزان طلاق بیشتر است. شمار فرزندان نیز در این گروه کمتر است که کمتر بودن سال‌های تأهل آنان تا حدی این یافته را توجیه می‌کند.

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، بیشتر زنان در شرف طلاق خانه‌دار بودند. این امر شاید مؤید نظر جامعه‌شناسان باشد که احساس استقلال در خانم‌ها سبب افزایش رضامندی زناشویی می‌شود (لارسن و دلسون، ۱۹۸۹). از سوی دیگر، این یافته مشابه الگوی شغلی زنان جامعه ایران نیز می‌باشد.

مقایسه میانگین نمرات مقیاس‌های رضامندی زناشویی در دو گروه در جدول ۴ ارائه گردیده است. همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد نمرات آزمودنی‌های پژوهش در همه مقیاس‌های پرسشنامه از نظر آماری معنی‌دار است.

جدول ۴- مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات مقیاس‌های رضامندی زناشویی در دو گروه متقاضی طلاق و سایرین و سطح معنی‌داری آن‌ها

مقیاس	گروه	فراوانی	میانگین و انحراف معیار	سطح معنی‌داری
کل پرسشنامه	طلاق	۱۲۷	۱۱۹±۲۵	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۱۳۸±۲۹	
جاذبه	طلاق	۱۲۷	۳۰±۹	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۳۵±۸	
تفاهم	طلاق	۱۲۷	۲۹±۶	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۳۲±۷	
نگرش	طلاق	۱۲۷	۲۸±۹	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۳۵±۹	
سرمایه گذاری	طلاق	۱۲۷	۳۲±۷	۰/۰۰۱
	سایرین	۱۶۷۰	۳۵±۸	

Andeeshah  
Va  
Raftar  
اندیشه و رفتار  
۶۰

نتایج محاسبه‌های رگرسیون نشان می‌دهد که قدرت ارتباطی مقوله جاذبه از نظر آماری معنی‌دار نیست، ولی با سایر مقوله‌ها به‌طور معنی‌داری با رضامندی زناشویی ارتباط دارد (جدول ۵).

جدول ۵- قدرت ارتباط (نسبت بخت) هر یک از مقیاس‌ها در تعیین رضامندی زناشویی

مقیاس	نسبت بخت* (OR)	حدود اطمینان** (CI)
جاذبه	کم	۱/۰۳
	متوسط	۰/۸۵
تفاهم	مطلوب	۱
	کم	۲/۸
نگرش	متوسط	۱/۵
	مطلوب	۱
سرمایه گذاری	کم	۳/۱
	متوسط	۱/۴
سن ازدواج	مطلوب	۱
	کم	۳/۴
	متوسط	۱/۹
	مطلوب	۱
		—

\*\* = Confidence Interval \* = Odds Ratio

روابط زناشویی به شمار می‌رود (جین، ۱۹۹۹؛ لارسن و دلسون، ۱۹۸۹). در بررسی انجام شده در شهر کرمان نیز تفاوت در باورهای مذهبی از عوامل مؤثر در گسستگی پیوند زناشویی شناخته شده است (بنی‌اسدی، ۱۳۷۵). هم‌چنین در نظر خواهی از دانشجویان علوم پزشکی کشور نیز تفاهم اخلاقی و تشابه در باورهای مذهبی یکی از معیارهای مهم همسر ایده‌آل معرفی شد (حق دوست و همکاران، ۱۳۷۴).

یکی از راه‌های ایجاد تفاهم درک متقابل است. حتی اگر زوج‌ها پیش از ازدواج یکدیگر را به‌خوبی بشناسند، فرایند ازدواج اندک اندک سبب تغییراتی در رفتار اشخاص می‌شود (لاسلو<sup>۵</sup> و لاسول، ۱۹۹۴) که در صورت عدم شناخت کافی نسبت به این تغییرات، انس و الفت میان آن‌ها کم‌کم کم‌رنگ شده و سبب سست شدن پیوند زناشویی خواهد شد (همان‌جا).

به‌طورکلی، یافته‌های بالا اهمیت اقدامات پیشگیری را در قالب برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای نشان می‌دهد. نکته مهم آن‌که این آموزش‌ها باید در کلیه سطوح و در پیش و پس از ازدواج صورت پذیرد، حتی در مرحله‌ای که هنوز اقدامی برای ازدواج صورت نپذیرفته است (گاردنر<sup>۶</sup> و هالت<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). هم‌اکنون در برخی کشورها داوطلبان ازدواج باید گواهی مبنی بر شرکت در کلاس‌های مربوط به روابط زناشویی (مشمول بر ابعاد مختلف اجتماعی و روان‌شناختی) را ارائه دهند. در کشور ما نیز چنین کلاس‌هایی، اما نه در سطحی مطلوب، برگزار می‌شود. این کلاس‌ها بسیار کوتاه‌مدت و محتوای مطالب ارائه‌شده مهارت‌های ارتباطی زوج‌ها را افزایش نمی‌دهد. افزون‌براین، کلاس‌ها زمانی برگزار می‌شود که زوج‌ها در زمینه ازدواج به توافق رسیده‌اند. ارزشیابی پژوهشی کارایی

در مورد ارتباط هریک از چهار مقوله پیش گفته با رضامندی زناشویی، به‌نظر می‌رسد که به ترتیب مقوله‌های سرمایه‌گذاری، نگرش و تفاهم نقش مؤثرتری در پایداری پیوند زناشویی دارند (جدول ۵). به‌طورمثال، در صورت سرمایه‌گذاری کم، احتمال طلاق افراد ۳/۴ برابر کسانی است که سرمایه‌گذاری مطلوب دارند.

بررسی‌های مختلف در زمینه نقش روابط جنسی در پایداری ازدواج نتایج گوناگونی به دست داده است (لارسن و دلسون، ۱۹۸۹؛ نونالی، ۱۹۷۸؛ هاستون<sup>۱</sup> و ونجلیستی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). بررسی‌هایی که مقوله ارتباط جنسی را در کنار سایر عوامل بررسی کرده‌اند (لارسن، ۱۹۸۹؛ هاستون و ونجلیستی، ۱۹۹۱) با یافته‌های بررسی حاضر همسویی دارند و به روشنی بیان کرده‌اند که علایق و احساسات جنسی به تنهایی با رضامندی زناشویی ارتباط ندارد (دانلی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳). در بررسی آزاد و نصیب‌البکاء (۱۳۸۰) که در آن ویژگی‌های فردی و شخصی زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر تهران مقایسه شد، ناسازگاری جنسی در ایجاد اختلافات زناشویی از اهمیت چندانی برخوردار نبود. از آن‌جا که مقوله سرمایه‌گذاری برگزیده، قدردانی و احترام متقابل استوار است و چون تعریف افراد از احترام با هم فرق می‌کند، باید هر یک از زوج‌ها برداشت یکدیگر را از "احترام" بدانند. در پژوهش حق‌دوست، رواز، کاملی و لطیفی (۱۳۷۴) که به بررسی دیدگاه سی‌صد نفر از دانشجویان علوم پزشکی کشور درباره عوامل مؤثر در ازدواج پرداختند، فداکاری و گذشت یکی از چهار ویژگی اصلی همسر ایده‌آل معرفی شد. در زندگی مشترک باید بستر مناسبی برای اعتماد و دل‌بستگی دوسویه موجود باشد و لازمه این بستر، داشتن دیدی مثبت نسبت به یکدیگر است (صالحی‌فردی، ۱۳۷۸). از این‌رو، یکی از راه‌های افزایش رضامندی زناشویی، ایجاد وفاداری و خوش‌بینی به یکدیگر می‌باشد (جین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹).

- |             |               |
|-------------|---------------|
| 1- Huston   | 2- Vangelisti |
| 3- Donnelly | 4- Jane       |
| 5- Lasswell | 6- Gardner    |
| 7- Howlett  |               |

- Amato, P.R., & Booth, A. (1991). Consequences of parental divorce and marital unhappiness for adult well being. *Social Forces*, 69, 895-914.
- Anastasi, A. (1976). *Psychological testing*, (4<sup>th</sup> ed.). New York: MacMillan Publishing Co, (p.p. 103-133).
- Booth, A., & Edwards, J.N. (1985). Age at marriage and marital instability. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 67-75.
- Donnelly, D.A. (1993). Sexually inactive marriages. *The Journal of Sex Research*, 30, 171-179.
- Fowers, B.J., Montel, K.H., & Olson, D.H. (1996). An examination of the predictive validity of an empirically based typology of engaged couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 22, 102-119.
- Gardner, S.P., & Howlett, L.S. (2000). Changing the focus of interventions: need for primary prevention at the couple level. *Family Science Review*, 13, 96.
- Goode, W.J. (1989). *The family*, (2<sup>nd</sup> ed.). New Delhi, Prentice-Hall of India, (P.P. 147-167).
- Huston, T.L., & Vangelisti, A.L. (1991). Socio-emotional behavior and satisfaction in marital relationships: A longitudinal study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 6, 721-723.
- Jane, R. (1999). Dr. Jane's notebook: Improving your marital status. Available On <http://www.dr-ane.com/chapters/satisfaction.htm>.
- Kleinbaum, D.G. (1994). *Logistic regression*, (1<sup>st</sup> ed.). New York: Springer - Verlag Inc.

اين کلاس‌ها و برگزاري آن‌ها با رفع کاستي‌هاي موجود در دبيران‌ها و نيز توسط سازمان‌هاي همچون بهزيستي و مراکز بهداشتي و مشاوره‌اي به‌طور گسترده‌تر و با محتوای غني‌تر ضروري به‌نظر مي‌رسد.

### سپاسگزاري

از همکاري سازمان‌ها و نهادهاي شهر شيراز، به‌ويژه دانشگاه علوم پزشکي شيراز و واحدهاي زير پوشش آن، اداره کل آموزش و پرورش استان فارس و اداره‌هاي مربوطه قدرداني مي‌شود. لازم مي‌دانيم از کميسيون امور بانوان استناداري استان فارس به‌دليل حمايت مالي از اين پژوهش صميمانه تشکر و قدرداني نماييم. هم‌چنين از سرکار خانم‌ها ميترا دادخواه و فاطمه پيرو که همکاري‌هاي سودمند ايشان هميشه راهگشاي پژوهشگر و همکاران بوده است و نيز از سرکار خانم‌ها نسرین مهدي پور، ليلا رضايي، ليلا شيرازي و فاطمه آزادبان که در کليه مراحل اجراي پژوهش همراه و همگام مجريان طرح بوده‌اند سپاسگزاري مي‌شود.

Andeesheh  
Va  
Raftar  
اندیشه و رفتار  
۶۲

### منابع

- آزاد، حسين؛ نصب البکاء، انسيه (۱۳۸۰). مقايسه ويژگي‌هاي فردی و شخصيتي در زوج‌هاي سازگار و ناسازگار شهر تهران. *فصلنامه دانش و پژوهش*. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامي واحد خوراسگان (اصفهان). شماره هفتم، ۵۴-۴۱.
- بنی اسدي، ح. (۱۳۷۵). *بررسی و مقايسه عوامل فردی، اجتماعي و شخصيتي در زوج‌هاي سازگار و ناسازگار شهر کرمان*. پایان‌نامه کارشناسي ارشد رشته روانشناسي عمومي، دانشکده علوم انساني، دانشگاه تربيت مدرس.
- حق دوست، علي اکبر؛ رواز، کوروش؛ کمايي، جعفر؛ لطيفي، نوراحمد (۱۳۷۴). بررسی ديده‌گاه دانشجویان علوم پزشکي پيرامون عوامل مؤثر در ازدواج. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال دوم، شماره ۳، ۳۰-۲۰.
- ستوده، هدايتا... (۱۳۷۹). *آسيب‌شناسي اجتماعي*. تهران، انتشارات آوای نور.

Kyriacou,D.N., Anglin,D.,&Taliaferro,E.(1999). Risk-factors for injury to women from domestic violence. *New England Journal of Medicine*, 341, 1892-1898.

Larsen,A.S., &Olson,D.H.(1989). Predicting marital satisfaction using PREPARE:A replication study. *Journal of Marital and Family Therapy*,15,311-322.

Lasswell,M.E.,Lasswell,T.E.(1994). *Marriage and*

*the family*, Washington D.C,Health & Company.

Nunnally,J.C.(1978).*Psychometric theory*, (2<sup>nd</sup> ed.). NewYork: McGraw Hill Co.

Rogers,T.B.(1995). *The Psychological testing enterprise: An introduction*,(1<sup>st</sup> ed.).California, Books/Cole Pub, (P.P. 453-498).

Sinha,S.P.,& Mukerjee,N.(1991). Marital adjustment and space orientation.*The Journal of Social Psychology*, 132, 5-9.